

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختار زاده
شهر: اِسْن - المان

روده کش

ای روده کش که روده کشی ، کار و بار تو
دشنام و ، طعنه و ، سخن بد ، شعار تو
فحاشی به مادر و بر خواهران همیشه
گردیده ساجق دهن بی فسار تو
مرحومه مادر تو ، ز شیر سپید خویش
هستی و زندگی نموده نثار تو
آیاسزاست لعنت ، از مثل تو پسر
بر روح پاک مادر پروردگار تو
نفرین ترا سزاست ، نه نفرین ز تو خجل
از کار و بار ، این عمل شرمسار تو
گاهی کنی دفاع ز پدر ، گاهی شکوه ها
ای بی ادب ! کجاست ، یمین و یسار تو
بی حرمتی و بی ادبی ها به کیش و دین
باشد همیشه چوب خدا ، انتظار تو
دُشنام ، بر مظاهر امر خدا دهی
رحمی کند خدا به تو و روزگار تو

چرخیده از تو طعنه و دشنام می رسد
بر کیش و دینِ خواهرکِ دلفگارِ تو
رحمی به حالِ خویش کن و طفلکانِ خویش
بیدار شو ، وگرنه مصیبت قطارِ تو
هرگز شکایتی نکنم ، چون که روز و شب
با ناکسان همیشه قرار و مرارِ تو
با مردمانِ پست و فرومایه ، همدمی
باشد عیان ز پیرهنِ لکه دارِ تو
غُمبُ زنی به وقتِ ضرورت ، چو کفتران
گر حاجتت رواست ، رسد نیشِ مارِ تو
در دوغِ دوستان و اقارب شده مگس
آهنگ و ساز و نغمهٔ طبل و دوتارِ تو
عقل و خرد کجا ، تو کجائی و ، من کجا
دیگر ، اضافه بست ، تو و همقطارِ تو
نه حرمتِ بزرگ ، ترا است و نه ز خرد
از بسکه ساده ای ، شده خانم سوارِ تو
لبریز گشته کاسهٔ صبرم ، دگر بس است
بشکسته شیشهٔ دلم از ننگ و عارِ تو
هر عزت و جلال ، که بینی به خود کنون
از خواهران و شوهرِ خواهر ، فخرِ تو
در آتشِ زبانِ تو « نعمت » شده کباب
گرچه ز لطفِ او ، همه دار و ندارِ تو
بدریید و سوخت ، پردهٔ شرم و حیا چنان
از احتراق و شعله و نار و شرارِ تو